

سجاد پور — نزاع دو جوان به دلیل کینه قدیمی در خیابان معروف به شلوغ بازار مشهد، با قتل پایان یافت. به گزارش روزنامه خراسان، دقایق اولیه بامدادروز گذشته زنگ تلفن همراه قاضی ویژه قتل عمد مشهد به صدا درآمد و خبر وقوع یک جنایت، وی را به منطقه گلشهر کشاند. بررسی‌های مقدماتی حاکی از آن بود که دو جوان به دلیل اختلافات و کینه‌های قبلی با یکدیگر در گیر شده اند که یکی از مصدومان در بیمارستان سجاد جان خود را از دست داده است و دیگری در بیمارستان شهید هاشمی نژاد، تحت درمان قرار دارد.

با توجه به اهمیت موضوع و احتمال فرار فرد مجروح، بلافاصله قاضی «محمود عارفی‌راد»، دستور داد تا نیروهای

انتظامی جوان ۲۲ ساله را در مرکز درمانی بازداشت کنند و خود نیز پس از انجام تحقیقات میدانی در محل وقوع جنایت عازم بیمارستان شهید هاشمی نژاد شد. «محمد جواد — ج» (متهم تبعه خارجی) که فقط بخشی از سر و صورتش کبود شده بود در پاسخ به سوالات مقام قضایی

گفت: به دلیل اختلافاتی که با هم داشتیم سال گذشته از «مجتبی — ج» (مقتول ۲۷ ساله تبعه افغانستان) شکایت کردم و بعد هم مجبور شدم تا رضایت بدهم اما او همچنان پشت سر من حرف‌های نامربوط می‌زد تا آبروی مرا ببرد!

من هم عصبانی شدم و هنگامی که او سوار بر موتورسیکلت

بامدادروز گذشته در مشهد اتفاق افتاد

قتل در شلوغ بازار!

گفت: به دلیل اختلافاتی که با هم داشتیم سال گذشته از «مجتبی — ج» (مقتول ۲۷ ساله تبعه افغانستان) شکایت کردم و بعد هم مجبور شدم تا رضایت بدهم اما او همچنان پشت سر من حرف‌های نامربوط می‌زد تا آبروی مرا ببرد!

من هم عصبانی شدم و هنگامی که او سوار بر موتورسیکلت

عاملان دستبرد به محتویات و قطعات خودروها در مشهد دستگیر شدند

نقش رمزآلودیک زن در باند تبهکاران!

که تحقیقات نشان داد، هفدهم مرداد، مالک پژو پارس طلمعه زن جوان شده و او با ترغندی ماهرانه وی را به داخل منزلی در منطقه پنجتن کشانده است و از سوی دیگر نیز اعضای باند خودرو را به سرقت برده و پلاک‌های آن را تغییر داده‌اند.

بالورفتن این ماجرا، گروه عملیاتی کارآگاهان با کسب مجوزهای قضایی، به ردزنی «محمد — ب» (متهم ۳۶ ساله فراری) پرداختند و مخفیگاه‌های احتمالی او را در مناطق خواجه ربیع و بولوار مسلم زیر نظر گرفتند ولی او که پلیس را در یک قدمی خود دید، دیگر به این مخفیگاه‌ها مراجعه نکرد. بالاخره کارآگاهان با استفاده از تجهیزات و فناوری‌های نوین پلیسی، موفق شدند مخفیگاه‌وی را در خیابان آیت‌ا... عبادی شناسایی و عملیات تعقیب را با پوشش میدل آغاز کنند. پایان عملیات تعقیب

زمانی فرار سید که متهم فراری مذکور حدود ساعت ۲ بعدازظهر بیست و سوم شهریور وارد یک بنگاه املاک شد که ناگهان خود را در محاصره پلیس دیدو حتی نتوانست به راه‌های گریز بیندیشد. با انتقال این جوان ۳۶ ساله به پلیس آگاهی جنوب مشهد، تحقیقات فنی از آنان در حالی ادامه یافت که تلاش‌ها برای دستگیری عضو فراری باند و همچنین دیگر اعضای مرتبط با آن‌ها وارد مرحله جدیدی شده است.

بنا بر گزارش روزنامه خراسان، تاکنون حدود ۳۰ تن از مال باختگان به پلیس آگاهی مشهد مراجعه کرده‌اند و تحقیقات همچنان با دستورات ویژه قضایی برای کشف زوایای پنهان از نقش رمزآلود زن جوان در باند تبهکاران ادامه دارد.



عکس ترمیمی است

گروه تخصصی از کارآگاهان به سرپرستی ستوان یکم حسینی (افسر پرونده) و نظارت مستقیم رئیس پلیس آگاهی مشهد، به ریشه یابی پرونده یغماگران اموال مردم پرداختند و با بهره‌گیری از تجربیات و راهنمایی‌های مقام قضایی، دامنه‌رصد‌های اطلاعاتی را به منطقه پنجتن مشهد کشاندند.

بررسی‌ها بیانگر آن بود که دزدان خودرو با طلمعه قرار دادن یک زن جوان، موفق شده‌اند، خودرویی را در نیمه دوم مرداد سرقت کنند و با استفاده از آن خودرو، سرقت‌های دیگر را در مناطق شهری و به ویژه منطقه کوهسنگی انجام دهند. بر اساس گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، کارآگاهان پس از چندروز ردزنی‌های اطلاعاتی به هویت این زن دست‌یافتند و او را در حالی دستگیر کردند

۲۱۶ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد در حالی آغاز شد که قاضی «جواد آسیان یزد» دستورات محرمانه‌ای را برای کنکاش‌های تخصصی و فنی صادر کرد و این گونه پیگیری پرونده اعضای باند تبهکاران به کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد سپرده شد. متهم ۳۴ ساله که دیگر همه راه‌های انکار را بسته می‌دید، در بازجویی‌های فنی دو همدست فراری خود را الوداد و اعتراف کرد که از مدتی قبل به اتفاق دوستان معتادش سرقت محتویات و قطعات خودروها را آغاز کرده‌اند. از سوی دیگر تحقیقات معکوس کارآگاهان درباره چگونگی سرقت خودروی پژو پارس، رد پای رمزیک زن در پرونده دزدان حرفه‌ای را آشکار کرد که نقش عجیبی در این ماجرا دارد. به همین دلیل

مدیر روابط عمومی هواپیمایی تابان تشریح کرد:

جزئیات حادثه هواپیمای تهران-مشهد درمهرآباد

هواپیمابه آشیانه برگردانده می‌شود تا از نظر هیدرولیک و بخشی‌های مختلف فنی مجدد چک شود، آسبیی به هواپیمابه مسافران وارد نشده اما چک کردن هواپیمااز سوی متخصصان فنی ماحدودیک تادوساعت زمان برد. مدیر روابط عمومی هواپیمایی تابان همچنین اظهار کرد: بلافاصله پس از این اتفاق رئیس کمیته بررسی حادثه سازمان هواپیمایی به همراه کارشناسان فنی تابان در محل وقوع اتفاق حضور یافتند.

مسافرگیری آماده خزش به سمت باند می‌شود اما پیش از اعلام خلبان و روشن شدن موتور اهرم‌های مقابل لاستیک هواپیمابه داشته می‌شود و هواپیمابه سمت باند حرکت می‌کند. وی افزود: هواپیما چند متر جلوتر می‌رود و وارد جزیره ابتدای باند می‌شود اما به هیدرولیک هواپیما آسبیی وارد نمی‌شود و در راستای ایمنی پرواز مسافران پیاده‌وبه سالن ترانزیت منتقل می‌شوند.

جعفرزاده ادامه داد:پس از این موضوع

مدیر روابط عمومی هواپیمایی

تابان گفت: هواپیمایی تهران-

مشهد این شرکت هواپیمایی که ساعت ۱۶:۳۰روز گذشته پس از مسافرگیری آماده خزش به سمت باند بود به علت بروز مشکل متوقف شد و مسافران به سالن ترانزیت برگشتند. مرصیه جعفرزاده در گفت‌وگو با فارس درباره حرکت هواپیمای MD این شرکت پس از مسافرگیری و در حالت خزش توضیح داد: بوتینگ MD83 تابان پس از

قاتل پس از۲۱سال پای چوبه‌داربخشیده‌شد

سال ۱۳۹۶دستگیر و روانه زندان کهنوج شده بود.وی گفت: باوساطت امام جمعه، سران طوایف، صلح یاران شورای حل اختلاف،مددکاران زندان و مقامات دستگاه قضایی شهرستان کهنوج، صبح سه شنبه ،اولیای دم با صلح و سازش از قصاص محکوم علیه گذشتند و او از اعدام رهایی یافت. این مقام قضایی خاطرنشان کرد : این محکوم به قصاص به شکرانه بخشش خانواده مقتول و این اقدام خدایسندانه، متعهد شد به نیت‌وبه ناممقتول یک باب مدرسه را در مناطق محروم جنوب بسازد که صدقه جاریه‌ای برای قربانی باشد.

کرمانی— یک محکوم به قصاص پس از ۲۱سال از وقوع قتل پای چوبه داربخشیده شد.

به گزارش خراسان، دادستان عمومی و انقلاب شهرستان کهنوج اظهار کرد: یک محکوم به قصاص که ۲۱ سال پیش در شهرستان منوجان مرتکب قتل عمد شده بود، با گذشت اولیای دم در ایام میلاد حضرت محمد (ص) و هفته وحدت از قصاص رهایی یافت.

قاضی امید رضایی ادامه داد: متهم این پرونده در سال ۱۳۸۰ و در ایام جوانی خود طی یک نزاع خیابانی در شهرستان منوجان مرتکب قتل و در



توکلی— آتش‌سوزی در ساختمان هلال احمر کرمان با تلاش گروه های اطفای حریق و امداد و نجات مهار شد. سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرمان گفت: این آتش‌سوزی در سالن اجتماعات ساختمان ستادی جمعیت هلال احمر استان کرمان ساعت ۱۱:۱۰ روز سه شنبه به سامانه ۱۲۵ آتش‌نشانی گزارش و شعله‌های آتش ساعت ۱۲:۳۰ به صورت کامل اطفاء و پاک‌سازی شد. جهانشاهی افزود: خوشبختانه این حادثه تلفات جانی نداشته است.

وی اظهار کرد: علت این آتش‌سوزی اتصال برق و تاسیسات هنگام جوشکاری اعلام شده است. مجتبی فکری‌پور، جانشین مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرمان هم از مهار آتش‌سوزی گسترده ساختمان مرکزی هلال احمر استان ستادی جمعیت هلال احمر استان کرمان در بولوار «آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی» خبر داد. وی با تأکید بر این که بخش اداری ساختمان مرکزی هلال احمر استان، آتش گرفته بود و ربطی به اغتشاشات اخیر نداشته است، درخصوص عملکرد آتش‌نشانان برای مهار آتش‌سوزی گفت: آتش‌سوزی در ساعت ۱۱ و ۱۰

دقیقه روز سه شنبه، به سازمان آتش‌نشانی اعلام شد که نخستین خودروی آتش‌نشانی در کمتر از ۴ دقیقه، به محل حادثه رسید. وی خاطرنشان کرد: علاوه بر اعزام ۹ دستگاه خودروی آتش‌نشانی از ۷ ایستگاه و همچنین اعزام خودروهای آتش‌نشانی آتش‌سوزی از ساختمان فروگاه آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی و شهرک صنعتی خضرا، راهی محل حادثه شدند. وی اظهار کرد: با تلاش بیش از ۴۰ نفر آتش‌نشان، آتش‌سوزی پس از یک ساعت مهار شد. فکری‌پور با بیان این که لکه‌گیری آتش‌سوزی با تلاش آتش‌نشانان، تا ساعت

۱۳ طول کشید، افزود: با توجه به گسترده بودن این آتش‌سوزی، با تلاش آتش‌نشانان، از سرایت آتش به دیگر بخش‌ها و انبارهای دارو، جلوگیری شد. وی گفت: خوشبختانه این حادثه تلفات جانی نداشت اما خسارت مالی آن سنگین گزارش شده است. به گفته‌وی آتش‌سوزی از ساختمان و سالن اجتماعات هلال احمر آغاز و به علت نمای چوب و وجود صندلی‌ها حریق گسترده‌تر شد.

حجت الاسلام و المسلمین حمیدی رئیس کل دادگستری استان کرمان و فرماندار کرمان از محل حادثه بازدید کردند.

در امتداد تاریکی

آشیانه‌ای در مسیر باد!

وقتی برای دومین بار از دواج کردم در حالی سرپرستی دو کودک را نیز پذیرفتم که چگونگی بر خورد با آن‌ها را نمی‌دانستم. به همین دلیل زمانی که درگیر مشکلات خانوادگی شدم، عوامل دیگری نیز وارد ماجرا شدند تا زندگی ام را متلاشی کنند به گونه‌ای که ...

به گزارش خراسان، زن ۳۵ ساله بارداری که برای شکایت از همسرش وارد کلانتری طبرسی شمالی مشهد شده بود، درباره سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری گفت: در یک خانواده ۱۰ نفره به دنیا آمدم و تا مقطع دیپلم تحصیل کردم. پدرم مردی کارگر است که به اتفاق مادر و دو خواهر و برادر کوچک‌تر از من در شهرستان فریمان اقامت دارند. با وجود این، پدرم تلاشی می‌کرد تا هشت فرزندش مشکل حادی در زندگی نداشته باشند. خلاصه وقتی در کنکور سراسری پذیرفته نشدم به اولین خواستگارم پاسخ مثبت دادم و با فریبز از دواج کردم. اما او جوان معنّادی بود که حتی نمی‌توانست مخارج اعتیاد خودش را تأمین کند به همین دلیل من روزهای سختی را می‌گذراندم و برای تهیه مایحتاج روزانه ام دست به دامن پدرم می‌شدم. این‌گونه بود که بعد از شش سال زندگی مشترک دیگر نتوانستم این شرایط را تحمل کنم و به ناچار از او طلاق گرفتم تا سرنوشتم را تغییر بدهم و از این فلاکت نجات یابم اما دیگر شرایط از دواج برایم سخت‌تر شده بود. معمولاً افرادی به خواستگاری ام می‌آمدند که از دواج با آن‌ها برایم زجرآورتر از همین زندگی مجردی بود تا این‌که بالاخره سال گذشته هدایت به خواستگاری ام آمد. اوست که کار ساختمان بود و با دو پسر ۹ و ۶ ساله اش زندگی می‌کرد. همسر هدایت چند ماه قبل طلاق گرفته و به خانه پدرش رفته بود. در این میان من و هدایت چند بار با یکدیگر درباره زندگی مشترکمان صحبت کردیم که او تأکید داشت من باید برای دو فرزند او مادری کنم من هم که تا کنون فرزندی نداشتم پذیرفتم و بدین ترتیب با برگزاری یک مهمانی کوچک زندگی مشترکمان را آغاز کردیم اما از همان روزهای آغازین ورود من به زندگی «هدایت» دو فرزند او در برابر من جبهه گرفتند به گونه‌ای که نه تنها با من لجبازی می‌کردند بلکه با رفتار و گفتار کنایه آمیزشان آزارم می‌دادند. یوسف که پسر بزرگ هدایت بود، سعی می‌کرد با رفتارهای توهین آمیزش مرا از زندگی پدرش دور کند تا مادرش دوباره به خانه آن‌ها بازگردد.

خلاصه من و فرزندان هدایت در حالی مدام با یکدیگر درگیر بودیم که من مهارت بر خورد با چنین شرایطی را نیاموخته بودم و نمی‌دانستم در این‌گونه موارد چگونه باید با دو کودک رفتار کنم. از سوی دیگر نیز «یدا...» که برادر هدایت بود در کنار ساختمان محل زندگی ما بنگاه معاملات خودرو داشت و بلافاصله همه اتفاقات منزل ما را به مادر و برادرش اطلاع می‌داد. یوسف هم با تحریک مادرش هر حادثه کوچکی را برای عمویش بازگو می‌کرد و گاهی راست و دروغ را به هم می‌یافت تا مرا تحقیر کند به همین دلیل دخالت‌های مادر هدایت نیز در زندگی من شروع شد چرا که معتقد بود نوه‌هایش را آزار می‌دهم. در این میان، هدایت هم بدون توجه به خواسته‌های من از مادرش طرف‌داری می‌کرد و مرا کتک می‌زد.

چند روز قبل نیز «یوسف» با این بهانه که او را کتک زده‌ام به بنگاه عمویش رفت که دقایقی بعد همسرم کارش را رها کرد و با برگشت به منزل در مادر حالی به شدت کتک زد که می‌ترسیدم جنینم را سقط کنم. هر چه فریادمی‌زدم فرزندت دروغ گفته است حرفم را باور نکرد تا این‌که به ناچار به خانه پدرم رفتم و چند روز بعد با هدایت تماس گرفتم و گفتم قصد دارم به خانه بازگردم اما هدایت گفت باید از مادرش اجازه بگیرد که آیا دوباره مرا به خانه بازگرداند یا نه! اکنون در حالی آشیانه ام در مسیر باد قرار گرفته است که برادر هدایت نیز مرا بیمار روانی خواند که قصد دارم برادر زاده‌هایش را اذیت کنم و...

گزارش خراسان حاکی است به دنبال اظهارات این زن جوان و با صدور دستور ویژه‌ای سوی سرگرد جواد یعقوبی (رئیس کلانتری طبرسی شمالی) بررسی‌های تخصصی و کارشناسی این ماجرا توسط مشاوران زنده دایره مددکاری اجتماعی آغاز شد.

ماجرا واقعی با همکاری

پلیس پیشگیری خراسان رضوی